

در فیروزه‌های: دریچه‌ای به بینش،

روش و منش شهید هدی صابر

- دِرْفیروزه‌ای
- آموزش‌ها

سه نون هدی صابر (سخنرانی امیر طیرانی)

در نگاه دیگران» **شاخه: بینش، روش و منش**

پرینت ایمیل

بازدید: 3043

سخنرانی امیر طیرانی در مراسم یادبود هدی صابر

بسم الله الرحمن الرحيم

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ عَلَى غَلَبَةٍ أَوْ مَعْزَفٍ ثُمَّ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلشَّاكِرِينَ (١٤٤) سَوْءَ مَا لَكُمْ بِرَبِّكُمْ أَنْ تُقَالُوا كُفَّ أَعْيُنُكُمْ وَأَنْتُمْ كُمْرٌ مُكْتَنٍ

وقتی که دوستان به من گفتند که در این جلسه صحبت کنم عرض کردم چرا؟ من حق این است که در مورد بحث تاریخ و هشت فراز هزار نیاز هم مثل بحث‌های دیگر همکاران و شاگردان آقا هدی طرح بحث کنند که در این مباحث شریک بودند و حضور داشتند، با این حال دوستان از من خواستند که صحبت کنم در نتیجه بحث من ممکن است زیاد با بحث هشت فراز در ارتباط نباشد. ما دوستی ۴۰ ساله‌ای باهم داشتیم ببخشید که من به ایشان نه شهید می‌گویم و نه آقا هدی، چون زبانم نمی‌گردد. درست است ایشان بزرگ ما بود ولی رابطه خیلی نزدیکی باهم داشتیم.

من کم و بیش در جریان بحثهای تاریخ پودهام و دنبال می‌کردم. بعد از آن هم به لطف دوستان تا حدودی در جریان کارهایشان بوده‌ام. از من انتظار نداشته باشید تا در مورد هشت فراز صحبت کنم. همان طور که می‌دانید هشت فراز تاریخی از تنباکو، مشروطه، جنگل، نهضت ملی، انقلاب و بعد هم دو خرداد مورد بررسی درونی قرار گرفته. من چند نکته حاشیه‌ای در این زمینه می‌گویم و بعد هم عرایض را تمام می‌کنم.

یکی بحث بر سر ضرورت این بحث‌های تاریخی است: از دو جهت، اول این که متأسفانه جامعه ما علی‌رغم این که بسیار نوستالژیک فکر می‌کند و دائم فکر بزرگ کردن گذشته‌های خود است، یک جامعه ضد گذشته و ضد تاریخ است و آشنایی به تاریخ ندارد. برای همین است که بعد از گذشته ایام، شخصیت‌ها و در حقیقت ضد شخصیت‌هایی که در تاریخ معاصر ایران حضور داشتند، فراموش مردم می‌شوند و شروع می‌کنند به تمجید از آنها. از محمدرضا پهلوی بگیر تا احمد قوام و تا شخصیت‌هایی که بهترین جوانان این مملکت را به دیار باقی فرستادند، بهترین سرمایه‌های ما را از بین برند و راهگشای ورود استعمار به ایران بودند.

الان وقتی در جوامع گوناگون و بین اقشار مختلف جامعه قرار می‌گیریم و بحث می‌کنیم. یک نمونه را که همین امروز اتفاق افتاد خدمتان عرض می‌کنم. همین امروز به طور اتفاقی ۴-۵ نفر از دوستانی که همه تحصیل کرده بودند و در یک محیط فرهنگی مشغول کار بودند سر یک بحث تاریخی بدون هیچ اطلاع و آگاهی اظهار نظر می‌کردند و از یک طرف طرفداری می‌کردند. اشکالی ندارد هرکس آزاد است هرچه را می‌خواهد فکر کن و نظر بدهد اما رویکرد به دشمنان ملت باعث تکرار تجربیات تلخ گذشته خواهد شد، یکبار، دوبار، سهبار...چندبار باید تجربه کنیم و باز...همان اشتباهات و همان ضربه‌ها

گرایش که هدی به بحث تاریخی داشت نه از باب طرح یکسری مسائل مکرر مطرح شده قدیمی بود. آقا لطفی و خانم صابر و دوستان دیگری می‌دانند اوایل انقلاب یکی از کارهای دوستان دانشجو این بود که این طور بحث‌ها را مکرر در جمع‌های مختلف طرح می‌کردند که ظاهراً خیلی هم مفید نبود و بعد از گذشت ۳۰ سال از شور اولیه انقلاب هدی به اینجا رسیده بود که جامعه‌ای ما با تاریخ نا آشناست و به همین دلیل مکرر در مکرر اشتباهات گذشته‌اش را تکرار می‌کند. این یک بخش قضیه بود، بخش دوم این است که علی‌رغم این که تاریخ نویسی در ایران قدمت بسیار زیادی دارد از دوران ابولفضل بیهقی تا به امروز و در اندیشه‌های ما چندین و چند اندیشه‌گاه هستند که رشته تاریخ را تدریس می‌کنند اما این گرایش و این رویکرد به تاریخ خیلی به درد جامعه‌ای ما نمی‌خورد. بحثی را که دوستان راجع به روش‌مند و ارائه روش در برخورد با مسائل قرآنی مطرح کردند تا آنجایی که من در جریان هستم در بحث هشت قراز هم به طور مبسوط وجود دارد. یکی از ویژگی‌های هدی این بود که خیلی خوب می‌توانست مسائل را دسته‌بندی و منظم بکند و ارائه بدهد. در هر زمینه‌ای که بحث می‌کرد چه سیاسی، چه تحلیل شرایط، چه بحث تاریخی و... چه بحث قرآنی.

رشته‌ی من تاریخ است، کتاب زیاد خوانده‌ام و در کتب تاریخی زیاد چرخ خورده‌ام اما به واقع این تاریخ خواندن دانشجویها و این چیزی که در سطح عموم رایج است مساله حل نمی‌کند. زمانی تاریخ می‌تواند به درد آدم بخورد و برایمان تجربه شود و ما را از مشکلات گذشته بیرون بکشد که بتوانیم روشمند و با چارچوب با مسائل تاریخی و مسائل دیگر برخورد کنیم. این کاری بود که هدی رد هشت فراز انجام داد و برای خود من که یک دانشجوی تاریخ هستم مفید بود. در کلاس هیچ استادی ندیدم، بنده فارغ التحصیل دانشگاه تهران هستم، یعنی مادر دانشگاه‌های ایران. در هیچ‌کدام از کلاس‌ها و نزد هیچ‌یک از اساتید محترم چنین چارچوب‌دار و روشمند با مسائل تاریخی برخورد نشده است. این بود کلیتر راجع به تاریخ

اما بحث آیهای که اول خواندم، این آیه در جنگ احد نازل شد هنگامی که لشکریان رسول الله شکست خورده بودند و دامنه کوه پناه برده بودند. شایع شد که رسول الله کشته شدند. جماعت به هم ریخت و هریک از یک طرف پا به فرار گذاشتند. عمر بن خطاب فهمید و فریاد کشید و شمشیر کشید که هر کس بگوید محمد کشته شده با همین شمشیر او را میزنم. رسول الله که زخم برداشته بودند عمر را دعوت به سکوت کردند و در همین حین آیهای نازل شد: و ما محمد الا رسول، محمد نبود مگر یک فرستاده، قد خلت من قبله الرسل، قبل از اوهم رسولانی آمده بودند، ا فغان او قتل انقلابتم علی اعقابکم، اگر کشته شود یا بمیرد به گذشته باز میگردید. این جا برگشتن شما به گذشته چه تأثیری دارد؟ و من یقلب علی عقبه فلن ینصر الله شیئا، خدا خوش پاسخ میدهد که این بازگشت شما به ارتجاع قدیمتان و بازگشت به کفر و الحاد که پیش از رسول داشتند هیچ ضربه ای و هیچ آسیبی برای خدا ایجاد نمیکند. شما هستید که ضرر خواهید کرد و باز به گذشته تارک خود باز میگردید. و سیجری الله شاکرین، کسانی که شکر نعمت خدا را میکنند و آن پیام واقعی رسول را گرفتند و به شخص رسول بسنده نکردند اینها را خدا پاداش مکی خواهد داد. عادت ما بر این است که وقتی صدای دوست خودم را می شنوم منقلب می شوم. من یک جمع بندی از این آیه می کنم خطاب به دوستان و کسانی که با هدی رفیق بودند و رابطه داشتند و هنوز هم رابطه شان را حفظ کردند. بحث بر سر هدی یا جسم هدی یا شخص او نیست، این آیه برای رسول خدا می فرماید بحث، بحث پیام است و این پیام در منش و روش هر فرد متبلور می شود.

هدی صابر سه تا نوَن داشت، نظم، نیاز و نماز. به نظر من به این سه خیلی معتقد بود. ویژگی‌های دیگری هم داشته ولی این سه نوَن را در نظر داشته باشید اگر م این سه نوَن را که در دی صابری دیدیم در خودمان متبلور کنیم، کار هدی بجا بر نمانده است. نظمش که روشن است، نیازش پاسخی بود که به مشکلات و گرفتاری‌های جامعه داشت و آن هم نه از راه شعار دادن و از راه فریاد زدن. جمع‌بندی هدی بعد از زندان سال ۸۴ این نهفته است که ما نیاز به چند چیز داریم: فکر، تفکر، مطالعه و تعمق بر روی مسائل، انباشت این تفکرات و انباشت دستاوردهای گذشته‌مان و سپس آموزش و از این طریق است که جامعه می‌تواند به بیرون رهنمون شود و اگر نه باقی مسائل بپهوده است. بحث سوم هدی نماز بود یعنی وقتی کسی او را ملی مذهبی خطاب می‌کرد، واقعاً یک فرد مذهبی بود و با نماز عاشقانه رفتار می‌کرد، تکلیفش نبود. هدی مذهبی واقعی بود و این چیزی است که امروز در برخی دوستان کمرنگ شده است. اگر به هدی صابر علاقه‌مند هستید این راه و روش اوست. یک ویژگی دیگری هم داشت که فوق‌العاده مستقل بود. وقتی شوروی از هم‌پاشید برخلاف خیلی از دوستان که افسرده شدند هدی گفت خیلی خوب شد، دیگر امید یک عده به خارج از کشور نیست که کسی بیاید و مشکلاتشان را حل کند و دیگری تنوری بدهد، بریده شد. منظورش چه‌پا چه‌پا بود، حتی چه‌پای مذهبی هم که یکی یک گرایشی حالا حداقلی و پاکم داشتند. این یک نوع برخورد با واقع تاریخی است که می‌گوید این اتفاق که افتاد این مردم قطع شد و حالا باید روی پای خودمان بایستیم و فکر کنیم. این موضوع در همه موارد صادق است. سیمین روی پای خودمان بایستیم، با آموزه‌های گذشته استفاده کنیم و بدانیم که در بین رفتنی نیست. «فَالْأَزْدُ قَدْ هَبَّ جَاءَ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَكُفُّ يَ الْأَرْضَ» یعنی ۱۷ سوره رعد، آن چیزی که به نفع مردم است همانند به شرطی که نفع مردم در کار باشد. کار هدی که نفع مردم و کار خیر و جامع‌شاس بود. سعی کنیم از منش هدی، رفتار هدی، فکر هدی و نه شخصیت هدی تبعیت کنیم. هدی هم آدم بود مثل ما، حالا آدم گردن گلفتی بود ولی ضعف‌هایی هم داشت. غیر از خانم فروزه صابر هیچ کس اندازه من هدی را نمی‌شناخت. چون من از همه بیشتر با او بودم، هدی

صابر آدمی بود مثل همه‌ی ما که ضعفها، اشتباهاتی داشت. اما چیزی که می‌گویم این است که منش اصلی این فرد در نظمش بود، در کار سنگین بی‌خستگی‌اش بود. هدی مجاهد نستوه بود. یعنی کسی که از کار خسته نمی‌شد. هدی تپیی بود که اگر می‌خواهید او را بزرگ بدانید روش و منش و کارش را پاس دارید و اگر نه شخصیت او مثل همه‌ی آدمها است

هدی صابر از میان ما رفته اما خدای هدی صابر باقی است. بگوئیم با استفاده و تکیه بر آن چیزی که هدی به آن عشق می‌ورزید یعنی خدا، خدای به قول خودش خداکثری، خدایی که همه جا

حضور دارد و همه جا حاضر است به این سمت برویم که راه او را ادامه بدهیم. ”وَسَلَامٌ عَلَیْهِ یَوْمَ وُلِدَ وَیَوْمَ یَمُوتُ وَیَوْمَ یُنْعَثُ حَیًّا“ سوره مریم آیه ۱۵

تو خاموشی که بخواند؟ تو می‌روی که بماند؟ که بر نهالک بی‌پرگ ما ترانه بخواند؟

آخرین افزوده‌ها

- انتشار دهمین یادنامه شهادت هدی صابر
- هدی صابر و مسئولیت‌پذیری فزاینده
- بررسی مدل روشنفکری سحابی-صابر و آورده‌های آن برای ایران امروز
- هدی صابر: الگویی خاص از روشنفکر تام
- ردپای منش
- پهلوان مُرد، از بیس که جان ندارد
- زیست-پروژه: امیدجویی تاریخی و گذر از انسان اندوهگین
- بازگشت روشنفکری به آریوی کار
- سیوگوارهای برای خرداد شرمگین
- گرامیداشت نهمین سالگرد شهادت هدی صابر بر مزار وی

انجام

مسیر جاری: [صفحه اصلی](#) در [نگاه دیگران](#) [منش](#)، [دروش](#) و [منش](#)

± |

- [ارتباط با ما](#)
- [پیوندها](#)
- [جستجوی هوشمند](#)
- [نقشه سایت](#)

استفاده از مطالب سایت با ذکر ماخذ مجاز می‌باشد